

تحلیل جایگاه آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی

علی نقی فقیهی^{۱*}، حسن نجفی^۲ و سمیه دریسای^۳

^۱ دانشیار علوم تربیتی دانشگاه قم

^۲ دانش آموزخته کارشناسی ارشد مطالعات برنامه درسی دانشگاه شاهد

^۳ دانش آموزخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآنی دانشگاه قم

*Email: an-faghihi@qom.ac.ir

چکیده

از اهداف مهم آموزه‌های رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (ع) احیای فرهنگ دینی و ساخت تمدن اسلامی است. در این میان، آموزه‌های آن بزرگان که در مهدویت، زمینه انتظار ظهور منجی و تشکیل حکومت جهانی است؛ از اهمیت خاصی برخوردار است. این مقاله درصدد آن است که نگاه معصومان (ع) در این آموزه‌ها و تأثیر آنها را در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی بررسی نماید. روش انجام پژوهش توصیفی - تحلیلی بوده و به منظور گردآوری داده‌های لازم جهت دست‌یابی به اهداف پژوهش، متون حدیثی موجود و مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم‌های فیش برداری از منابع، گردآوری و با شیوه کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که عواملی چون رشد عقلی، پیشرفت علمی، تعالی اخلاقی، تدابیر بهینه سیاسی، توسعه اقتصادی، برقراری عدالت و فراهم سازی زمینه‌های امنیت از ویژگی‌های جامعه متمدن اسلامی است که در آموزه‌های مهدوی مطرح شده‌اند.

کلید واژه‌ها: آموزه‌های مهدوی، احیای فرهنگ دینی، شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی.

مقدمه

در اندیشه اسلامی، تمدن سازی با فعلیت یافتن توانمندی‌های اصیل و تحقق اهداف متعالی انسان است و به تعبیر شهید صدر پیشرفت و تمدن انسان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، عینیت یافتن ظرفیت‌ها، استعدادها و ویژگی‌هایی است که جوهر و غایت اصیل انسانی را تعیین می‌بخشند (ثابت و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۵) و خلافت عمومی انسان از خدا تحقق می‌یابد و آدمیان تجلی اسماء و صفات الهی گردند و تمام نیروهای ظاهر و پنهان بالقوه را به فعلیت درآورده و ارزش‌های متعالی چون پیشرفت علمی، ارتقای توانمندی‌ها، عدالت و مانند آن، مسیر پیشرفت و تعالی خویش به سوی بی‌نهایت کمال هموار می‌سازد (صدر، ۱۴۲۴ق: ۱۲۷).

عرصه‌های تمدن نوین اسلامی در آموزه‌های مهدوی بر اساس روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، دیگر انسان‌ها و طبیعت شکل گرفته است. تعالی بخشی به معرفت و ایمان به خداوند و باور به نقش فاعلی و تأثیر وی بر روند روابط شخص با خود، دیگر انسان‌ها و طبیعت و تخلق به اخلاق خداوند مانند علم، قدرت، عدالت، رحمت و... رهایی از بت‌های درونی و بیرونی زمینه ساز تمدن بشری بر پایه رویکرد اسلامی است (صدر، ۱۳۸۱: ۲۰۴). در این بستر، شناخت قوانین هستی و ارتقای توانمندی انسان‌ها در برآوردن نیازها با استفاده از طبیعت و پیشرفت در عرصه مناسبات اجتماعی و حاکمیت بخشی به ارزش‌های اخلاقی در روابط انسان‌ها با یکدیگر نقش مهمی را ایفا می‌کند (صدر، ۱۴۰۳ق: ۷۰۷).

با توجه به مطالب فوق، در پژوهش توصیفی تحلیلی حاضر، علاوه بر مفهوم شناسی درباره آموزه‌های مهدوی، فرهنگ تمدن و تمدن نوین اسلامی، درصدد پاسخگویی به این سؤال هستیم که با توجه به رویکرد کلی آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ اسلامی، شاخصه‌های جامعه متمدن نوین اسلامی چیست؟

مفهوم شناسی

الف) آموزه‌های مهدوی

منظور از آموزه‌های مهدوی، مجموعه آموزش‌های اولیای معصوم (ع) است که در حوزه مهدویت، در روایات، توقیعات و ادعیه به صورت موردی، جزئی و گزاره‌ای مطرح شده اند، و از معارفی منسجم و نظام مند و رویکرد مهدوی اولیای دین و اصول راهبردی تمدن مهدوی، به خوبی، حکایت می‌دارند (پورسیدآقایی، ۱۳۸۶: ۶).

ب) فرهنگ

فرهنگ که در زبان انگلیسی culture و در عربی ثقافه نامیده می‌شود (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۳: ۱۹۰)، در سده‌های گذشته به معنای آموزش و پرورش و یا آموختن ادب و علم بوده است، ولی در دوره‌های اخیر به سبب تحول مفهوم آن در زبان‌های بیگانه، معنا و مفهوم وسیع‌تری یافته است و به مجموعه آداب و رسوم، باورهای دینی، علم، هنر و اخلاقیات اطلاق شده است (آشوری، ۱۳۷۵: ۸؛ محمدی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۴۶). رولف لتون مفهوم فرهنگ را مسائل بنیادی می‌داند که ویژگی روشنی به افراد

یک جامعه می‌دهند و آنها را به صورت یک گروه متمایز با زبان، آداب و رسوم و دین خاص در می‌آورد (مؤلفان، ۱۳۷۳: ۱۹۰) و یا پدیده کلی پیچیده ای که از رسوم، اندیشه، هنر و شیوه زندگی، در طی تجربه تاریخی اقوام، شکل می‌گیرد و قابل انتقال به نسل‌های بعدی است (انوری، ۱۳۸۳: ۸۶۹) استاد محمد تقی جعفری می‌نویسد: فرهنگ شیوه‌ی انتخاب شده برای کیفیت زندگی است که با گذشت زمان و مساعدت عوامل محیط طبیعی و پدیده‌های روانی و رویدادهای نافذ در حیات یک جامعه به وجود می‌آید (جعفری، ۱۳۷۵، ج ۱۶: ۲۲۳) و به تعبیر استاد شهید فرهنگ مجموعه‌ی اندوخته‌های معنوی، فکری، روحی، عقلی، اخلاقی و اجتماعی یک قوم است (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۶: ۴۰۵). وی معتقد است که اسلام خود سازنده‌ی فرهنگ است؛ یعنی اسلام خود یک سلسله اندوخته‌های معنوی آورد که همانا فرهنگ اسلامی است. فرهنگ اسلامی فرهنگ فطری و بشری است. در عین این که از جنبه‌ی فاعلی وابسته به قومی خاص است، ولی از جنبه‌ی کیفی رنگ قوم خاصی ندارد فرهنگ اسلامی خود روح خاص و مشخصات خاصی دارد، مستقل است و استمرار فرهنگ‌های پیشین نیست. اقامه‌ی دین همان احیای فرهنگ اسلامی است (همان: ۴۰۶) که در آیه «أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ» (شوری: ۱۳) به آن امر شده است.

ج) تمدن

تمدن به معنای شهرنشینی (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۱۰۹)، وجود قوانین مکتوب و سنت‌های نوشته شده و مدیریت شهری، مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر (باتومور؛ آتوبت، بی تا: ۴۷)، وجود آثار هنری و باستانی، برقراری روابط خارجی و حسن جریان امور داخلی کشور (محمدی، ۱۳۷۳: ۴۷) حالت ترقی و علوم و فنون ملت‌ها (حجازی، بی تا، ص ۱۹) مطرح شده است. همچنین تمدن نظامی اجتماعی دانسته شده که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (دورانت، بی تا، ج ۱: ۵) و یا بر «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم و هنر و ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» (انوری، ۱۳۸۳: ۳۳۷) اطلاق شده است. تمدن در اجتماعی شدن انسان معنی پیدا می‌کند (دورانت، بی تا، ج ۱: ۵) و بالاترین گروه بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

از ویژگی‌های جامعه متمدن ازدیاد صنایع، کارخانجات سنگین و مرتب بودن وضع کارگران و استقلال فکری و آزادی خواهی کامل (زمانی، ۱۳۴۸) خوشبختی در زندگی (زیدان، ۱۳۸۶، ج ۲: ۸)، تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عادلانه و اشتراک همه‌ی افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه‌ی ابعاد مثبت (جعفری، ۱۳۷۵، ج ۵: ۱۶۱) است.

د) تمدن اسلامی

تمدن اسلامی به تمدن ملت‌های اسلامی گفته شده است که شامل تمدن‌های ملت‌های عرب، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران است (مؤلفان، ۱۳۷۳: ۱۹۱) و به وسیله دین اسلام و زبان علمی و ادبی عربی با یکدیگر متحد شدند (تولد، ۱۳۳۷: ۷). هنرهای

ایرانی و رومی و سایر جوامع با این تمدن عجین شده است (تاج بخش، ۱۳۸۱: ۹۹).

تمدن اسلامی نسبت به تمدنهای پیشین موضع ویژه‌ای را اتخاذ نمود؛ بدین صورت که نه در مقابل آنها صف آرای نمود و نه در برابر آنها منفعل شد بلکه دست آوردهای مثبت آنها را گرفته و در خود هضم نموده و جهات منفی را هم نپذیرفته است به عبارت دیگر «تمدن اسلامی، نه تقلید کننده صرف از فرهنگهای سابق بوده و نه ادامه دهنده محض، بلکه ترکیب کننده بوده و تکمیل سازنده داشته است» (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۱). تمدن اسلامی با محوریت قرآن دیدگاهی جهانی و فرا ملیتی داشته و هیچگاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد ننموده است، لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام، اقوام مختلف عرب ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی بهم آمیختند. به نظر می‌رسد تمدن اسلامی در جامعه‌ای می‌تواند تبلور داشته باشد که افکار، باورها و فرهنگش از ساختار علمی و منطقی برخوردار است، روابط بین فردی، ملی و بین‌المللی آن، بر نظم، قانون و اخلاق متکی بر فطرت خدادادی متکی است، بر آوردن نیازها و بهره مندی از طبیعت و جهان هستی مبتنی بر کوشش مستمر برای پرورش استعدادها و ارتقای توانمندیهایش در شناخت واقع بینانه از نظام هستی است و در راستای اهداف سعادت‌مندانانه و رشد و تکامل همه جانبه به صورت پیوسته در تکاپو و تلاش است.

ه) مفهوم احیاء

در لغت، «احیاء» به معنای «زنده سازی و جان بخشی» است (آذرنوش، ۱۳۷۸، ذیل واژه ح ی ی) همانطور که در قرآن کریم به همین معنی است^۱ (مائده: ۳۲) و در آیه‌ای دیگر محتوای دعوت پیامبر اسلام، نیز، «زنده کننده» توصیف شده است «استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال: ۲۴). از القاب حضرت مهدی (ع)، نیز، زنده کننده دین است^۲ (قمی، ۱۳۷۰، دعای ندبه) و از مهمترین رسالت‌ها در آموزه‌های مهدوی، هم، احیای فرهنگ و تمدن اسلامی و طرح مجدد و مغفول دین در عرصه‌های مختلف است (عرفان، ۱۳۹۳: ۱۶۹).

در این احیاء، دین اسلام بر جهان حاکمیت پیدا می‌کند^۳ (توبه، ۳۳) و با نصرت الهی تثبیت می‌شود. انسانها در مشرق و مغرب عالم، برای حکومت مهدوی آماده می‌شوند. فرهنگ اسلامی به سبب احیای دین مهدوی بر همه ادیان چیره می‌گردد، گرچه مشرکان کراهت داشته باشند^۴ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۳۱) فرهنگ مهدوی امیال نفسانی مردم را تابع هدایت قرار می‌دهد بعد از آن که آنان هدایت را دنباله رو هوای نفس کرده باشند و رأی و نظر شان را دنباله رو قرآن خواهد ساخت بعد از آن که قرآن را تابع نظر و آرای شخصی قرار داده باشند و به آنان راه و رسم عدالت را نشان خواهد داد و آن چه را از قرآن و

^۱ «من احیاء فکانما احیا الناس جمیعاً»

^۲ «محی معالم الدین»

^۳ «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

^۴ امام باقر (ع): «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّغْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عِزَّ وَ جَلَّ بِهٖ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ...؛ قائم (عج)»

سنت مرده باشد، زنده خواهد کرد^۱ (رضی، ۱۴۱۴ق: خ ۱۳۸) و به تجدید فرائض و سنن اسلامی، برای برگردانیدن آئین و شریعت پیامبر اسلام (ص)، زنده کردن معالم دینی و حیات بخشی به اهل ایمان همت می‌نماید^۲ (قمی، ۱۳۷۰، دعای ندبه) و بدعت‌ها و خرافه‌ها را از چهرهٔ دین می‌زاید^۳ (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۸۵)، حق را تثبیت و باطل را محو می‌نماید^۴ (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۷۵) و نیز حق را برپا می‌دارد^۵ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۷۴) و عدالت اسلامی را برقرار می‌سازد^۶ (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۸۴) و مسیر کرامت انسانی را برای مؤمنان و منتظران در دنیا و آخرت هموار می‌کند^۷ (قمی، ۱۳۷۰، دعای افتتاح).

و) احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی

با توجه به مطالب فوق، منظور از احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، بازگشت به اسلام ناب محمدی (ص) و دعوت به دین خدا (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۲۰) و پدیدار سازی نگرش اسلامی در همه جوانب زندگی بشری و پیشرفت در ابعاد فکری، اخلاقی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه است. از جمله شاخصه‌های آن می‌توان به باروری عقل بشری، پیشرفت علمی، تعالی اخلاقی، شکل‌گیری صحیح و ارتقای روابط انسانها با خدا، و با یکدیگر، پذیرش حاکمیت صالحان، گستره عمران و آبادی زمین، برقراری عدالت و امنیت اجتماعی اشاره نمود.

رویکرد آموزه‌های مهدوی و تمدن نوین اسلامی

رویکرد اولیای دین در آموزه‌های مهدوی، تبیین شاخصه‌های فرهنگ و تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی تربیتی در افراد، برای تحقق آنها در جامعه است. از این رو است که در روایات معصومان (ع)، انسان‌ها برای فراهم سازی زمینه ظهور نجات بخش بشر و ساخت تمدن اسلامی، موظفند و باید با هم، همکاری کنند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۳: ۷). با عمل به وظیفه و همکاری مؤمنان است که دین خدا غالب می‌شود و بدعتها و باطل‌ها از میان می‌روند^۲ (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۸۷). انجام مسئولیت‌ها بر اساس رهنمودهای امام (ع) اختلافات مسلمانان و دشمنی‌ها و فتنه‌های بر پاشده، تمام می‌شود و الفت و مهربانی در جامعه اسلامی

۱. «يُعْطَفُ الْهَدْيُ عَلَى الْهَدْيِ إِذَا عَطَفُوا الْهَدْيَ عَلَى الْهَدْيِ وَ يَعْطَفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ... فَيُرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلُ السَّيْرِ وَ يُحْيِي مَيِّتَ الْكِتَابِ وَ السُّنَّةِ»

۲. «أين الماخِر لتجدید الفرائض و السنن، أين المتخیر لأعادة الملة و الشريعة، أين الموئل لاحياء الكتاب و حدوده، أين مُحْيِي معالم الدين و أهله»

۳. «لا يترك بدعةً ألاً ازالها و لا سنةً الا اقامها»

۴. «و يمحو الله الباطل، یعنی يبطله، و يحق الحق بكلماته، یعنی بالنبي وبالائمة والقائم من آل محمد، إنه عليم بذات الصدور»

۵. «يقوم القائم بالحق والعدل»

۶. «وَ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ حَكَمَ مُحَمَّدٌ (ص)»

۷. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدَلُّ بِهَا التَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»

۸. «يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، فَيَصْرُحُ صُرْحَهُ فَيَقُولُ: يَا مَعَاشِرَ نَبِيَّائِي، وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ الدَّخَرَهُمُ اللهُ لُبُصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ: إِنْ تَوْنِي طَانَعِينَ! فَتَرَدُّ صِيحْتُهُ عَلَيْهِمْ وَ هُمْ فِي مُحَارِبِهِمْ وَ عَلَى فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ مَغْرِبِهَا، فَيَسْمَعُونَهُ فِي صِيحِهِ وَاجِدَةٍ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا»

۹. امام باقر (ع): «والمهدى وأصحابه يملكهم الله مشارق الأرض ومغاربها، ويظهر الدين ويميت الله به وأصحابه البدع والباطل»

مستقر می‌گردد^۱ (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۷۷).

ویژگی‌های جامعه متمدن اسلامی در آموزه‌های مهدوی

در آموزه‌های اولیای دین در زمینه مهدویت، برای ساخت جامعه اسلامی نوین و متمدن، بر تلاش برای تحقق ویژگی‌های زیر تأکید شده است:

۱. رشد عقلی

در آموزه‌های مهدوی فراهم سازی رشد عقلی مردم، از ویژگی‌های جامعه امام زمانی و متمدن اسلامی است. در انسان شناختی مبتنی بر آیات و روایات اسلامی عقل، محدود به عقل ابزاری یا عقل معاش نیست، بلکه سطوح برتر آن یعنی عقل نظری و عقل عملی را نیز شامل است و همین سطح عقل است که بشر را به پیروی از وحی به عنوان مهم‌ترین و موثق‌ترین منبع معرفتی کشانده است. این نگاه متفاوت از اندیشه غربی به عقل، آثار و تبعات زیادی در ساخت تمدن اسلامی دارد و آنرا کاملاً از تمدن کنونی غرب جدا می‌کند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶)

در روایات اسلامی عقل مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی است که رشد ادراکاتش، درست را از نادرست تشخیص می‌دهد و مسیر سعادت را برای آدمی هموار می‌سازد^۲ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۰). و از اینرو بزرگ‌ترین سرمایه بشر^۳ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷) و هدایت‌گر مومنان^۴ خوانده شده (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۵) زیرا عقل ارزش‌ها را بخوبی شناسایی می‌کند، گمراهی را از رستگاری تشخیص داده^۵ (رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۴۲۱) و آدمی را به کارهای پسندیده سوق می‌دهد و از کارهای ناپسند باز می‌دارد^۶ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۷).

اسلام به پرورش عقل، اهمیت فراوان داده است. از اینرو قرآن بر استفاده از عقل تأکید کرده و مردم را موظف به تفکر می‌کند^۷ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۲۰۷) تا خلاقیت پیدا کنند و فرآیند آفرینندگی را پیمایند و زمینه ذهنی را برای تحقق عینی و عملی نوآوری‌ها در مراحل متعالی زندگی فراهم سازند. همچنین با تربیت عقل، موانع تفکر عقلانی را از سر راه خویش بردارند. زیرا عقل به دلیل محدودیت ادراک، دخالت عوامل عارضی، آموزش‌های غلط، تأثیرپذیری از شرایط و موقعیت‌های روانی و محیطی، احتمال خطا در ادراک دارد و چه بسا حجیتش را از دست می‌دهد^۸ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۷۲) از

^۱ «بل منا، بنا یختم الدین كما بنا یفتح، و بنا یستفدون من ضلاله الفتنه كما استنقذوا من ضلاله الشرك، و بنا یؤلف الله بین قلوبهم فی الدین بعد عداوة الفتنه، كما ألف الله بین قلوبهم و دینهم بعد عداوة الشرك»

^۲ «عن أبي جعفر ع قال: لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له أقبل فأقبل ثم قال له أذبر فأذبر ثم قال وعزبي و جلالی ما خلقت خلقاً هو أحب إلي منك و لا أكملتك إلا فیمن أحب أما إني إياك أمر و إياك أنهى و إياك أعاقب و إياك أتیب»

^۳ «یا علی إنه لا فقر أشد من الجهل و لا مال أغور من العقل»

^۴ «العقل دليل المؤمن»

^۵ «كفأك من عقلك ما أوضح لك سبيل غيبك من رشدك»

^۶ «العقل منزّه عن المنكر أمر بالمعروف»

^۷ «ان لكل شیء دليلاً و دليل العقل التفكير»

^۸ «غير متفعل بالحكمه عقل مغلول بالغضب و الشهوه»

اینرو لازم است درستی درک عقل را با معیارهایی چون: هماهنگی مدرک با بدیهیات عقلی چه در بعد نظری و چه در بعد عملی، هماهنگی با بقیه امیال و خواسته‌های فطری (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۷۱ و ۲۵۲)، هماهنگی با دین و وحی الهی، هماهنگی با عقل جمعی بشری، بدست آورد.

قرآن دامنه تعقل آدمی را همه جهان هستی که هر کدام نشانه‌هایی از خداوند و صفات کمالی اوست، دانسته^۱ (آل عمران: ۱۹۰) تا حقایق عالم برایشان مکشوف شود و در سایه پیشرفت علمی - معنوی و ایمان و عمل صالح و سعادت جاویدان برسند. توانمندی عقل خدادادی، با علم و تجربه افزایش می‌یابد^۲ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۹۱). آموزه‌های دینی و وحیانی، این توانمندیها را بارور می‌سازند و دامنه ادراکات عقل بشری را بیشتر می‌کنند^۳ (رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱) و حجیت عقل را بالا می‌برند^۴ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۶) ارتقای توانمندی عقلانی با تفکر صائب^۵، استقبال از نظرات گوناگون، نگاه به عواقب امور^۶ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۸)، پیروی از حق^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۱۲۷) و توجه به ابعاد فطری آدمی که بی توجهی به آنها باعث می‌شود کرائی و کارآمدی عقل آسیب ببیند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۵۴)، بویژه توجه به بعد عاطفی عقل که بیشترین توانمندیهای عقل در این جنبه‌ها نمود می‌یابد. از این جهت است که مودت نصف عقل دانسته شده^۸ (ابن شعبه، ۱۴۰۴ق: ۲۲۱) و در حدیث عقل و جهل، از ۷۵ صفت عقل، ۶۷ صفت عاطفی مطرح شده است^۹ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۱). در آموزه‌های مهدوی به این ویژگی ساخت تمدن اسلامی توجه شده به طوری که عقل‌ها در زمان ظهور حضرت حجت (عج) به کامل‌ترین سطح خواهند رسید^{۱۰} (همان، ص ۲۵) عقل‌هایی که به دور از افراط و تفریط به عقل، پویایی دایمی اسلام را موجب می‌شوند و به تمدن‌سازی جهانی می‌پردازند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶).

۲. پیشرفت علمی

از موارد احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی توسعه تعلیم و تعلم علوم اهل بیت (ع) و پیشرفت علمی همه جانبه جامعه اسلامی است. امام رضا (ع) فرمود: خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده کند. راوی می‌گوید گفتم: چگونه امر شما را

^۱. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»

^۲. «العقل غريزه تزيد بالعلم والتجارب»

^۳. «لينثروا لهم دفائن العقول»

^۴. «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّتَهُ ظَاهِرَةٌ وَحُجَّتُهُ بَاطِنَةٌ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالنَّبِيَّاءُ وَالْأَيْمَةُ ع وَ أَمَّا البَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ»

^۵. در قرآن بیش از سیصد آیه وجود دارد که انسان را به تفکر و تعقل و دعوت می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۲۵۵)

^۶. «إِنَّ اللَّيْبِيبَ مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْأَرَاءِ بِفِكْرٍ صَائِبٍ وَ نَظَرَ فِي الْعَوَاقِبِ»

^۷. «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ»

^۸. «التوود نصف العقل»

^۹. «مِمَّا أُعْطِيَ الْعَقْلَ مِنَ الْخَمْسَةِ وَالسَّبْعِينَ الْجُنْدِ... التنعطف»

^{۱۰}. أَبِي جَعْفَرٍ (ع): «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»

زنده کند. فرمود: علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزاند. اگر مردم، زیباییهای سخنان ما را بدانند ما را پیروی خواهند کرد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۷). در آموزه‌های مهدوی، برای ساخت تمدن بر توسعه و پیشرفت علمی^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۶۰) انسان‌ها، اعم از زن و مرد تأکید شده است و انتظار می‌رود مردم آنچنان از دانش و حکمت برخوردار شوند که حتی یک زن بتواند براساس کتاب خدای تعالی و روش پیامبر(ص) درست قضاوت کند^۳ (نعمانی، ۱۳۹۷، ج ۱: ۲۳۹). توسعه دانش و تکنولوژی می‌تواند بشر را به مرحله‌ای از اقتدار برساند که بر پایه آن جامعه جهانی موعود را بنا نهد. رشد علوم و پیشرفت ابزارها و سیستم‌های پیچیده ارتباطی چون ماهواره و اینترنت^۴ (رامین، ۱۳۸۹) به سمت عصر ظهور است و در آن دوران همه علوم به نهایت خویش می‌رسند. در روایت مشهوری آمده است که علم ۲۷ شعبه یا حرف دارد و تاکنون تنها دو شعبه آن آشکار شده و در عصر ظهور ۲۵ شعبه یا حرف دیگر آن تجلی خواهد یافت^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

۳. تعالی اخلاقی

از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی که در آموزه‌های مهدوی در جهت احیای فرهنگ و تمدن زمینه ساز، بر آن تأکید شده است، رشد همه جانبه اخلاقی جامعه بشری است. در مهم‌ترین و درخشان‌ترین احیای اخلاقی، اصلاح و اقدامات زمینه‌ساز تمدنی که صورت می‌گیرد اخلاق فاسد مردم تغییر بنیادین پیدا می‌کند^۶ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۳). آنان دیگر به نورانیتهایی از معنویت می‌رسند^۷ (طوسی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۴۶۸) که رفتارها، گفتارها و پندارهایشان اخلاقی است. زیرا برنامه ریزی‌های آموزشی و تربیتی مهدوی به گسترش ارزش‌های الهی و سجایای انسانی در میان مردم و کمال اخلاق آنان منتهی می‌شود^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲: ۳۳۶).

۴. حاکمیت سیاسی صالحان

۱. «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعِ يَقُولُ رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَثَرْنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ غُلُومَنَا وَ يُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا»

۲. رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «بملا الله عزوجل به الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها»

۳. «... توتون الحكمة في زمانه حتى إن المرأة لتقضي في بيتها بكتاب الله و سنة رسول الله(ص)»

۴. برای مثال به برخی از این روایات می‌توان اشاره کرد: ۱. «إن المؤمن في زمان القائم و هو بالمشرق ليرى أخاه الذي في المغرب؛ مؤمن در عصر ظهور در حالی که در مشرق است برادر خویش را در مغرب می‌بیند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ۳۹۱). ۲. «إن قائمنا إذا قام ملة الله لشيعتنا في أسماعهم و أبصارهم حتى [لا] يكون بينهم و بين القائم برید، يكلمهم، فيسمعون و ينظرون اليه و هو في مكانه؛ همانا زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند به گوش‌ها و چشمان شیعیان ما مدد می‌کند به شکلی که بدون پیک و واسطه‌ای امام با آنها سخن می‌گوید و آنها سخن او را می‌شنوند و او را می‌بینند، در حالی که او در جای خود قرار دارد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۲۴۱)

۵. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْخُمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا»

۶. امام باقر(ع)، می‌فرماید: «... ان يصلح الامة بعد فسادها»

۷. «إن قائمنا إذا قام أشرقت الأرض بنور ربها و استغنى الناس (العباد)»

۸. «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ... وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ»

ویژگی حاکمیت سیاسی در تمدن نوین اسلامی در آموزه‌های مهدوی نمود بیشتری دارد. حکومت صالحان^۱ (انبیاء، ۱۰۵) و مستضعفان^۲ (قصص: ۵) وعده الهی است که به تعبیر امام صادق (ع)، با گسترش اتحاد، هم‌دلی، برادری و ارتباط سالم میان جوامع بشری، یک‌دستی و وحدت کلمه میان مردم به وجود می‌آید و افکار و عقاید ناسازگار با هم الفت و دوستی پیدا می‌کنند و زمینه آن فراهم می‌شود^۳ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۴۷) همانطور که رسول خدا (ص) فرمود: مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (عج) فراهم می‌سازند^۴ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۷) آنان از روحیه قوی برخوردارند و با قدرت و تحمل سختی‌ها^۵ (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۱۹) برای حاکمیت دین و ساخت تمدن اسلامی مصمم‌اند و مرعوب تمدن‌های مادی اجانب نمی‌شوند زیرا که در ارتباط با خدا، در دل احساس بی‌نیازی و استقلال نسبت به آنها دارند^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱: ۸۴). و از اینرو در انجام فعالیت‌های یاورانه برای حاکمیت اسلام و تمدن مهدوی، در جنگ‌ها حاضرند جان‌شان، در معرض خطر قرار دهند و انجام وظیفه کنند^۷ (همان، ج ۵۲: ۳۰۸).

۵. توسعه اقتصادی

در تمدن نوین اسلامی فعالیت‌های زمینه‌ساز در جنبه رشد اقتصادی جامعه به حدی است که جامعه به بی‌نیازی کامل می‌رسد و شکاف‌های اقتصادی، فقر، بیچارگی و نداری وجود ندارد. پیامبر (ص) می‌فرماید: در امت من، در جامعه مهدوی، مردم به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. همه، چه نیکوکار و چه بدکار، از آن جمله‌اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان بیارد و زمین چیزی از روئیدنی‌های خود را پنهان ندارد^۸ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۶۷) همچنین در حکومت مهدوی، امکانات برای استخراج آن‌چه در اعماق زمین است، فراهم می‌شود و از داشته‌های زمینی به خوبی بهره‌برداری می‌شود^۹ (رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۳۸) زیرا زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد بطوری که موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز خواهند شد^{۱۰} (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۸۴) و به تعبیر دیگر، خدا به واسطه صالحانی که حکومت جهانی را در دست دارند، برکات خاصی را بر آنان ارزانی می‌دارد^{۱۱} (مجلسی، ۱۴۰۳ق،

۱. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

۲. «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»

۳. «و یحسن حال عامه العباد و یجمع الله الکلمه و یؤلف بین قلوب مختلفه...»

۴. پیامبر اسلام (ص): «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَغْنَى سُلْطَانَهُ»

۵. «إِذَا رَأَيْتُمُ الرِّايَاتِ السُّودَ خَرَجْتَ مِنْ قَبْلِ خِرَاسَانَ فَاتُوهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى النَّلِجِ، فَإِنَّ فِيهَا خَلِيفَةَ اللَّهِ الْمَهْدِيَّ»

۶. «... و يجعل الله الغنى في قلوب هذه الامه»

۷. «و يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ وَ يَكُونُهُ مَا يُرِيدُ مِنْهُمْ»

۸. پیامبر اسلام (ص): «أَنَّهُ قَالَ: «يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... تَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ يُرْسِلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَ لَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا»

۹. امام علی (ع) «... و تخرج له الأرض أقاليد كبدها و تلقى إليه سلماً مقاليدها»

۱۰. امام صادق (ع): «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ الْجَوْزُ فِي آيَاتِهِ، وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ»

۱۱. «يَتَمَسَّحُونَ بِسَرِّجِ الْإِمَامِ تَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَةَ يُجَفُّونَ بِهِ»

ج ۵۲: ۳۰۸) که دیگر کسی نیازمند زکات نیست و وضع معیشتی مردم سامان می‌یابد^۱ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۶۳)

در جامعه متمدن مهدوی، بر مبنای تعدیل ثروت و تأمین زندگی متوسط اجتماعی برای همه افراد جامعه و فقرزدایی است و ابزارهایی در جهت تولید، توزیع و مصرف ارائه می‌دهد تا ثروت در دست افراد معدودی تمرکز نیابد تا بدین وسیله، فاصله‌های طبقاتی کاسته شود و سطوح درآمد و ثروت افراد - در عین وجود تفاوت‌ها - به یک‌دیگر نزدیک گردد. برخی ابزارهایی که تعدیل ثروت و فقرزدایی را در جامعه هموار می‌سازد عبارتند از: الف- تنبیه به این امر که خداوند مالک مطلق و رازق همه کائنات است و انسان‌ها نباید به مال و ثروت خود مغرور شوند و راه اسراف و تبذیر پیش گیرند.^۲ ب- مالکیت عمومی دولت اسلامی درباره زمین‌های انفال و ثروت‌های بسیار طبیعی و غیرطبیعی و حذف مالکیت خصوصی در باب آنها.^۳ ج- وجوب انفاق در شکل خمس و زکات^۴ و تأکید بسیار بر انفاق‌های مستحبی^۵ به منزله راه‌کاری برای حذف فاصله طبقاتی.^۶ د- حذف کامل رشوه^۷ و ربا^۸ که از عوامل بسیار مهم ناکارایی اقتصادی است. ه- حل مشکل بی‌کاری و مسکن با آزادی شغل، مسافرت، تجارت و حذف مالیات و قوانین ظالمانه برای طبقه متوسط مردم (امینی گلستانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۹۰ - ۲۹۱).

۶. برقراری عدالت

در جامعه متمدن اسلامی مهدوی دادگستری و عدالت، نمود بیشتری نسبت به دیگر ویژگی‌های تمدنی دارد. زیرا برقراری برقراری عدالت زمینه ساز اجرای دیگر احکام الهی است (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۱) و در میان مردم در عمل به احکام قرآن و سنت پیامبر (ص) حیات می‌بخشد (رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۳۸). احادیث بسیاری بر ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری حضرت دلالت دارند، از آن جمله این که رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: اگر از دنیا به جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چندان طولانی می‌کند تا در آن روز مردی از اهل بیت من مبعوث شود، او هم‌نام من است و زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از قسط و عدل می‌کند^۹ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۱). عدالت در جامعه مهدوی در سه سطح فردی، اجتماعی و تاریخی قابل بررسی و عدالت اجتماعی نیز در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جلوه می‌نماید.

۱. «أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ «الْقَائِمُ مِمَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَطْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ بِهِ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدُّنْيَا كُلِّهَا وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمر»

۲. «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (زخرف، ۳۲).

۳. چون قائم ما قیام کند، زمین انفال را جمع‌آوری کند، چنان‌که پیامبر جمع‌آوری نمود و از چنگ دیگران درآورد و آن‌ها را بیرون نماید. (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۲، ۳۹۰)

۴. دو خون است که در اسلام حلال است، ولی هیچ کس در آن دو خون حکم نکند تا این که خداوند قائم اهل بیت را مبعوث نماید. پس او به حکم خدا در رابطه آن دو حکم کند و ببینه نخواهد: زناکننده محصن را سنگ‌سار کند و مانع زکات را گردن زند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ۳۲۵)

۵. در باب این‌گونه انفاق‌ها در عصر ظهور آمده است: اگر کسی از امام چیزی بخواهد و بگوید: ای مهدی به من بده، امام (ع) بر دامن او آن قدر می‌ریزد که توان حمل آن را نخواهد داشت. (امینی گلستانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۲۵۱)

۶. این صفت ناپسند (رشوه) در عصر قائم بر اثر مراقبت امام و رشد فرهنگی و شدت ایمان مردم نابود و ریشه‌کن خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ۲۶۹)

۷. ربا در زمان قائم (ع) به طور کامل از بین می‌رود. (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹، ۴۷۴)

۸. پیامبر اسلام (ص): «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِّنِّي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا»

عدالت اجتماعی به معنای «عمل به گونه برابر و هم‌آهنگ» است، اما معیار برابری چیست؟ معیار عدالت حقوق افراد و اعطا کردن حق به صاحب حق است. (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۲) به عبارت دیگر، معیار عدالت اجتماعی، قرار دادن هر چیزی در جای خود و در نظر گرفتن ظرفیت‌ها، استعدادها و صلاحیت‌ها در گزینش افراد است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸). در جامعه متمدن مهدوی، بنیاد برقراری عدالت، بر معرفت و احساس مسئولیت همه افراد در جامعه بشری است، بگونه‌ای که هر کس، خود، به حق دیگری احترام می‌گذارد و مانع تضییع حقوق دیگران از ناحیه خودش و از ناحیه دیگران می‌شود. از اینرو همه پاس‌دار و ضامن اجرای جریان عدالتند. زیرا که زمینه ظهور و بروز استعدادها و خلاقیت‌های انسانی و شکوفا شدن جنبه‌های مختلف خلیفه الهی بودن انسان‌ها فراهم می‌شود.

۷. فراهم سازی زمینه‌های امنیت

زمینه سازی برای احساس امنیت مردم از ویژگی‌های جامعه متمدن اسلامی مهدوی است. زیرا لازمه یک اجتماع صالح و رو به پیش رفت، تحقق امنیت در همه بخش‌ها و رفع تهدیدها در همه حوزه هاست. قرآن کریم چنین تصویری را برای جامعه صالح و سالم به مؤمنان بشارت داده است (نور: ۵۵) امام صادق (ع) در اهمیت امنیت در جامعه و در پاسخ عمار ساباطی، که پرسیده بود: فدایت گردم برای چه در این زمان، ما آرزو کنیم که از یاران امام قائم (ع) در دوران ظهور باشیم، حال آن‌که کارهای ما در این روزگار که در سایه امامت شما به سر می‌بریم و از شما پیروی می‌کنیم، افضل از اعمال یاران دولت حق است؟ امام صادق (ع) با تعجب از سخن عمار ساباطی، اظهارات وی را این‌گونه پاسخ می‌دهد (کنایه از این‌که چرا چنین فکر می‌کنی و این‌گونه آرزو داری) آیا دوست نداری که خدای بزرگ حق و عدالت را در آبادی‌ها آشکار سازد و حال عموم مردم را بهبودی بخشد و وحدت کلمه پدید آورد و افکار ناسازگار را سازگار کند و خدای در زمین معصیت نشود و حدود الهی میان مردم اجرا شود و خداوند حق را به اهلس باز گرداند و ایشان آن را آشکار کنند تا هیچ چیزی از حق، به علت ترس از کسی مخفی نماند؟^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۴۵) همانطور که ملاحظه می‌شود در این حدیث، مقوله امنیت بااهمیت‌ترین مؤلفه ساختار اجتماعی برشمرده شده است. از اینروست که نه تنها، امنیت راه‌ها^۳ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۶۵) بلکه امنیت تمام کره زمین^۴ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۳) از ویژگی‌های مهم حکومت مهدوی است.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

۲. «عَنْ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع... قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ فَمَا نَمَنَىٰ إِذَا أَنْ نَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْقَائِمِ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَعْمَالِ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُجِيبُونَ أَنَّ يُظْهِرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَقَّ وَ الْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَ يُحْسِنَ خَالَ عَامَّةِ الْعِبَادِ وَ يَجْمَعُ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُّخْتَلِفَةٍ وَ لَا يُعْصِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِهِ وَ يَقَامُ حُدُودَ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ يَرُدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَيُظْهِرُوهُ حَتَّىٰ لَا يُسْتَخْفَىٰ بِشَيْءٍ مِّنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِّنَ الْخَلْقِ»

۳. «وَأَمِنْتَ بِالسَّبِيلِ»

۴. «إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ»

نتیجه گیری

تمدن نوین اسلامی با محوریت قرآن دیدگاهی جهانی و فراملیتی داشته و هیچگاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد خاصی ننموده است، لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام، اقوام مختلف عرب ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و... در کنار هم قرار گرفته اند. هدف آموزه‌های مهدوی در روایات معصومان (ع)، نیز، تمدن سازی است. این تمدن سازی همان احیای دین به صورت همه جانبه است. که در این احادیث به آن اشاره شده است. رویکرد اولیای دین در آموزه‌های مهدوی، تبیین شاخصه‌های فرهنگ و تمدن نوین اسلامی و زمینه سازی تربیتی در افراد، برای تحقق آنها در جامعه است. از نتایجی که در بررسی از این آموزه‌ها به عمل آورده شد این است که انسان‌ها برای فراهم سازی زمینه ظهور نجات بخش بشر و احیای تمدن نوین اسلامی، موظفند با هم همکاری کنند انجام مسئولیت‌ها بر اساس رهنمودهای مهدوی اختلافات و دشمنی‌ها و فتنه‌های بر پاشده، رفع می‌شود و الفت و مهربانی در جامعه اسلامی مستقر می‌گردد. فرهنگ اسلامی به سبب احیای دین مهدوی بر همه ادیان چیره می‌گردد و تمدن پیشرفته اسلامی را بنا می‌نهد.

در آموزه‌های مهدوی فراهم سازی رشد عقلی مردم، از ویژگی‌های جامعه متمدن نوین اسلامی است. به طوری که عقل‌ها در زمان ظهور حضرت حجت (عج) به کامل‌ترین سطح خواهند رسید.

از موارد احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی توسعه تعلیم و تعلم علوم اهل بیت (ع) و پیشرفت علمی همه جانبه جامعه اسلامی است. که برای ساخت تمدن بر توسعه و پیشرفت علمی انسان‌ها، اعم از زن و مرد تأکید شده است.

از دیگر ویژگی‌های تمدن اسلامی که در آموزه‌های مهدوی در جهت احیای فرهنگ و تمدن زمینه ساز، بر آن تأکید شده است، رشد همه جانبه اخلاقی جامعه بشری است که برنامه ریزی‌های آموزشی و تربیتی مهدوی به گسترش ارزش‌های الهی و سجایای انسانی در میان مردم و کمال اخلاق آنان منتهی می‌شود. حکومت صالحان و مستضعفان نیز وعده الهی است که در عصر ظهور تحقق می‌یابد و در اثر آن مردمانی به صحنه می‌آیند که حاضرند در راه امامشان با جان و دل مبارزه کنند.

فعالیت‌های زمینه ساز در جنبه رشد اقتصادی جامعه نیز به حدی است که جامعه به بی‌نیازی کامل می‌رسد و فقر و بیچارگی و نداری از بین می‌رود. دادگستری و عدالت صفت ویژه دیگر جامعه متمدن نوین اسلامی است که از آن به جامعه مهدوی نیز تعبیر می‌شود. در جامعه مهدوی برقراری عدالت به اندازه‌ای اهمیت دارد که در اثر اجرای آن احکام الهی زنده گردیده و جامعه به رشد و شکوفایی خود نائل می‌شود.

منابع

- *قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند (۱۴۱۵ق). تهران: دارالقرآن الکریم
۱. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۷۸). فرهنگ معاصر عربی - فارسی. تهران: نی.
 ۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۵). تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا.
 ۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غررالحکم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا. تهران: جهان.
 ۵. _____ (۱۳۹۵ق). کمال الدین و تمام النعمه. تهران: اسلامیه.

۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق). التشریف بالمنن. قم: مؤسسه صاحب‌الامر.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱). کشف الغمه. تبریز: بنی هاشمی.
۹. امینی گلستانی، محمد (۱۳۸۵). سیمای جهان در عصر امام زمان (عج). قم: مسجد مقدس جمکران.
۱۰. انوری، حسن (۱۳۸۳). فرهنگ روز سخن. تهران: سخن.
۱۱. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۸۶). مهدویت و رویکردها. فصلنامه مشرق موعود. ش ۴: (۵-۶).
۱۳. تاج بخش، احمد (۱۳۸۱). تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه. شیراز: نوید شیراز.
۱۴. تولد، و. و. بار (۱۳۳۷). بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی. ترجمه علی اکبر دیانت. تبریز: ابن سینا.
۱۵. ثابت، عبدالحمید و همکاران (۱۳۹۳). ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام. قم: جامعه المصطفی.
۱۶. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۵). ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر فرهنگ اسلامی.
۱۷. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۳). مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). حکمت صدرایی ماهیت و مختصات. قیسات. ش ۱۱ و ۱۰، ص (۵۱-۱۸).
۱۹. حجازی، فخرالدین (بی تا). نقش پیامبران در تمدن انسان. بی جا: بعثت.
۲۰. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت (ع).
۲۱. دورانت، ویل (بی تا). تاریخ تمدن: مشرق زمین، گاهواره تمدن. تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹). لغتنامه دهخدا. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن (۱۴۱۲ق). ارشاد القلوب. قم: شریف مرتضی.
۲۴. رامین، فرح (۱۳۸۹). ساختار معرفت در فرهنگ اتوپیای مور و آرمان‌شهر مهدوی. فصلنامه مشرق موعود. سال چهارم. ش ۱۳: (۵۹-۸۸).
۲۵. رضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. ترجمه صبحی صالح. قم: هجرت.
۲۶. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲). کارنامه اسلام. تهران: امیر کبیر.
۲۷. زمانی، مصطفی (۱۳۴۸). اسلام و تمدن جدید. قم: حوزه عملیه.
۲۸. زیدان، جرجی (۱۳۸۶). تاریخ تمدن اسلام. ترجمه علی جواهرکلام. تهران: امیرکبیر.
۲۹. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹ق). منتخب الأثر. قم: حضرت معصومه (س).
۳۰. صدر، محمدباقر (۱۴۲۴ق). الاسلام یقود الحیاه. بی جا: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للامام الشهید الصدر.
۳۱. صدر، محمدباقر (۱۳۸۱). سنت‌های تاریخ در قرآن. ترجمه جلال موسوی. تهران: روزبه.
۳۲. صدر، محمدباقر (۱۴۰۳ق). الفتاوی الواضحه. بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۳۳. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۶). امنیت مهدوی الگویی جامعه امن. فصلنامه مشرق موعود، شماره ۶: (۷۷-۹۴).
۳۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۴). تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۳۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰). اعلام الوری بأعلام الهدی. قم: آل‌ال‌بیت (ع).
۳۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). الغیبه. قم: دارالمعارف الإسلامیه.

۳۷. عرفان، امیر محسن (۱۳۹۳). نقش باورداشت آموزه مهدویت در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی. قم: معارف.
۳۸. باتومور، تام؛ آوتوبت، ویلیام (بی تا). فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: نی.
۳۹. قمی، عباس (۱۳۷۰). مفاتیح الجنان. تهران: فرهنگ اسلامی.
۴۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۳. محمدی، ذکر الله (۱۳۷۳). نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب. قزوین: دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره).
۴۴. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار عدل الهی. تهران: صدرا.
۴۵. _____ (۱۳۸۱). یادداشت‌های استاد مطهری. تهران: صدرا.
۴۶. مفید، محمدبن محمد (۱۴۱۳ق). الارشاد. قم: کنگره.
۴۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). الغیبه. ترجمه علی‌اکبر غفاری. تهران: مکتبه الصدوق.
۴۸. وحیدی‌منش، حمزه‌علی (۱۳۸۶). عناصر تمدن‌ساز دین اسلام. ماهنامه معرفت، ش ۱۲۳: (۳۴-۱۵)
۴۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴). نظریه برخورد تمدن‌ها. ترجمه مجتبی امیری، تهران: توسعه.